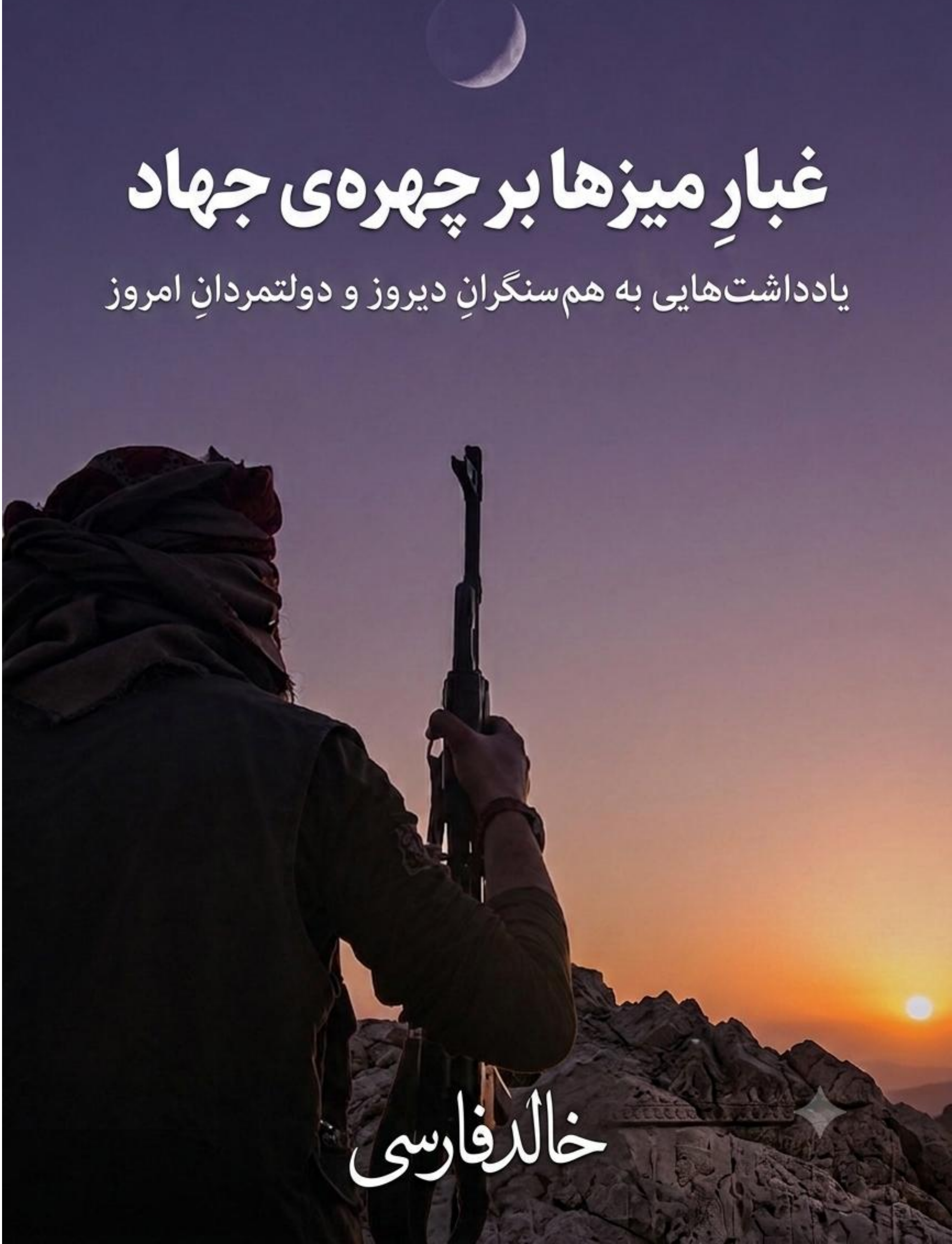
غبارِ میزها بر چهره‌ی جهاد

یادداشت‌هایی به هم‌سنگرانِ دیروز و دولتمردانِ امروز



خالد فارسی



تقدیم به برادران دیروز و صاحبان مناصب امروز؛

تقدیم به خاکریزهای بی‌صدا و سنگرهایی که شما را به اینجا رساندند.

تقدیم به آنانی که دیروز در سرمای کوهستان‌ها و زیر باران آتش، وقتی پیشانی بر خاک نمناک می‌گذاشتند، تنها یک تمنا داشتند: **اهتزاز کلمة‌الله و برپایی شریعت**

تقدیم به آنانی که در آن روزها طعم نان خشک در کام‌شان عسل بود و آرزوی شهادت، زیباترین رؤیای شب‌هایشان.

خالد فارسی

- هداه الله و رعاه -

1445/1448

مقدمه

الحمدُ للهِ الذي فَضَّلَ المجاهدينَ على القاعدينَ بأجرٍ عظيم، والصلاةُ والسلامُ على الضحوكِ القتَّال، الهادي بالسيفِ إلى الصراطِ المستقيم، وعلى آلهِ وصحبهِ الأطهارِ المصطفَين.

امابعد:

این یادآوری صمیمانه‌ای است به برادران مجاهد دیرینه‌ام؛ آنان که خداوند به دستشان پیروزی‌ها را رقم زد و به واسطه آنان در سنگرهای سخت، پرچم اسلام را برافراشت. کسانی که به ندای جهاد در افغانستان، چچن، عراق، شام و دیگر سرزمین‌های اسلام لبیک گفتند.

اما امروز چه شد؟ ورق برگشت، جنگ تمام شد، میزها چیده شد و شما پشت آن‌ها آرام گرفتید .بادگیرهای خاکی‌تان جای خود را به جامه و عباهای فاخر داد، و پای پیاده‌ی دیروزتان، امروز سوار بر مرکب‌های لوکس و شیشه‌دودی، از کنار همان مردم پابرهنه و محروم، بی‌تفاوت عبور می‌کند.

برادرانم ! به صندلی‌های سرخ قدرت تکیه زده‌اید و گمان برده‌اید این دژ، ماندگار است؟

فراموش کرده‌اید که این مسندها، پیش از شما چقدر صاحبان پرمدعا داشت و خاک تاریخ همه را بلعید؟

دیروز معامله‌تان با خدا بود؛ جان و مالتان را به بهای بهشت به او فروختید. امروز چطور؟

آیا تمام آن حماسه‌ها را به چند روز ریاست و جاه و مقام فانی دنیا فروختید؟

این چه تجارت زیانباری است که در پیش گرفته‌اید؟

امروز غنیمت‌ها چشمانتان را کور کرده است؛ همان‌گونه که تنگه‌ی احد چشمان تیراندازان را کور کرد و پیروزی را به شکست بدل ساخت. بدانید که ماندن در کاخ‌ها و چسبیدن به دنیا، آغاز سقوط است.

به خود آیید پیش از آنکه دیر شود. میزهای ریاست را رها کنید یا شرف جهاد را با دنیاطلبی نیامیزید. اگر امروز صدای ملامت هم‌سنگران خود را نشنوید، فردا پاسخگوی خون‌های پاکی خواهید بود که زیر پایه‌های صندلی‌هایتان جاری است.

ای برادرانم! این کلمات را با اشک چشم و خون دل برای شما می‌نویسم؛ پس از آنکه دیدم بسیاری از قهرمانان دیروز، اسیر دنیای امروز شده‌اند و پس از سال‌ها جهاد و فداکاری، به تجارت، خانواده و آسایش دنیا رو آورده‌اند و جهاد را به مثابه خاطره‌ای زیبا که در مجالس بازگو می‌شود، پشت سر گذاشته‌اند.

جهاد، فریضه تمام عمر است

ای مجاهدان دیرین! گمان مبرید که جهاد مرحله‌ای از زندگی بود که سپری شد، یا وظیفه‌ای بود که با پایان یافتن یک نبرد یا سقوط یک جبهه دشمن به پایان رسید. جهاد فریضه تمام عمر است و تا زمانی که روح در بدن دارید و تا زمانی که کفر بر سرزمین‌های مسلمانان سایه افکنده است، ساقط نمی‌شود .

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَٱعۡبُدۡ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأۡتِيَكَ ٱلۡيَقِينُ٩٩﴾ [الحجر: 99] (و پروردگارت را عبادت کن تا مرگ تو فرا رسد) و جهاد از والاترین عبادات است.

بخاری در صحیح خود از عایشه رضی الله عنها روایت کرده است که پس از پایان جنگ خندق (احزاب)، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اسلحه را زمین گذاشت و غسل کرد. در این هنگام جبرئیل علیه السلام بر او وارد شد و سرش غبارآلود بود؛ جبرئیل گفت: «آیا اسلحه را زمین گذاشتی؟ به خدا سوگند که فرشتگان هنوز اسلحه را زمین نگذاشته‌اند! به سوی آنان برو.» پیامبر فرمود: «به کجا؟» جبرئیل به سمت بنی‌قریظه اشاره کرد .

بنگرید که چگونه ملائکه خدا اسلحه را زمین نمی‌گذارند و خستگی نمی‌شناسند! پس چگونه شما که پیشتازان امت هستید، اسلحه را زمین گذاشته و به دنیا مشغول شده‌اید؟ !

هشدار نسبت به تکیه بر افتخارات گذشته (تجارت با گذشته)

بزرگ‌ترین فریبی که شیطان به واسطه آن مجاهدان قدیمی را به بند می‌کشد، این است که آنان را به گذشته‌شان سرگرم سازد. شیطان به یکی از شما می‌گوید: تو وظیفه خود را انجام دادی، جوانی‌ات را فدا کردی و برادرانت در دستانت شهید شدند؛ اکنون نوبت جوانان است و تو حق داری استراحت کنی.

این بزرگ‌ترین زیان و ورشکستگی است!

زیان‌کار کسی است که بر گذشته خود تکیه کند و از حال خود غافل شود.

ارزش اعمال به فرجام و پایان آن‌هاست .

ابن قیم رحمه الله می‌گوید: «امروز عمل است و حسابی نیست، و فردا حساب است و عملی نیست. و هر کس بر گذشته خود تکیه کند و امروز را رها سازد، مانند کسی است که بذر پاشیده اما درختان را آبیاری نکرده تا خشک شده‌اند؛ پس در وقت درو، چیزی جز پشیمانی درو نخواهد کرد.»

مبادا در مجالستان بنشینید و از حماسه‌های قندهار، کوه‌های چچن، فلوجه و غوطه سخن بگویید، در حالی که امروز خودتان در صف نشستگان و نظاره‌گران هستید! داستان‌های قهرمانی شما نباید ابزاری برای کسب جایگاه، اعتبار مادی یا فخرفروشی بر جوانان نوخواسته باشد؛ بلکه باید انگیزه‌ای باشد تا خودتان دوباره به میدان بازگردید و الگو و پیشرو باشید.

آرمان فراموش‌شده (حاکمیت شریعت)

ای غیوران امت! برای چه جنگیدید؟ و چرا برادران شما خون خود را نثار کردند؟

آیا برای این بود که حاکمان مزدور، دموکراسی غربی را بر ما حاکم کنند؟ یا برای این بود که سکولارها ثروت‌های ما را غارت کنند؟ یا برای اینکه کشورهای غربی ما را برسمیت بشناسند؟ یا برای احراز کرسی در ملل متحد؟

هدف بزرگ جهاد، حاکمیت کامل شریعت خدا بر زمین است. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِۚ ...﴾ [الأنفال: 39] (و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای برجا نماند و دین یکسره از آنِ خدا گردد.)

امروز در سرزمین عزیزمان و دیگر بلاد اسلام، شریعت خدا به حاشیه رانده شده و قوانین کفرآمیز و سکولاریسم حاکم گردیده است. چگونه آرام می‌نشینید در حالی که می‌بینید احکام الهی پایمال می‌شود و شریعتش تعطیل گشته است؟

حاکمیت شریعت، اصل ایمان و حقیقت توحید است.

کسی که به توحید معتقد است، نمی‌تواند به حاکمیت قوانین بشری رضایت دهد. سکوت در برابر تعطیلی شریعت، خیانت به خون شهیدانی است که جان خود را فدا کردند تا کلمة الله برترین باشد.

راه‌های مسالمت‌آمیز، صندوق‌های رأی و پروژه‌های سیاسی ذلت‌بار هرگز شریعت را برقرار نخواهند کرد. شریعت تنها با شمشیرهای مجاهدان مخلص و فداکاری موحدانی که جان بر کف گرفته‌اند، برقرار می‌شود. همان‌گونه که شیخ‌الاسلام ابن تیمیة رحمه الله فرموده است: «قوام دین به کتاب هدایتگر و شمشیر یاری‌رسان است»

شوق به شهادت و فضیلت جهاد

ای سوارکاران میدان‌ها! آیا طعم خوش جهاد و لذت مناجات با خدا در سنگرها در شب‌های تاریک را فراموش کرده‌اید؟ آیا آن آرامشی را که در میان غرش گلوله‌ها و انفجارها بر دل‌هایتان فرود می‌آمد، از یاد برده‌اید؟

به خدا سوگند، تمام لذت‌های دنیا، قصرها، همسران، فرزندان و ثروت‌های آن، با یک لحظه رباط و مرزبانی در راه خدا برابر نیست!

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: (یک روز مرزبانی در راه خدا، از دنیا و آنچه در آن است بهتر است.) (روایت بخاری)

و همچنین فرموده است:(در بهشت صد درجه است که خداوند آن‌ها را برای مجاهدان در راه خدا آماده ساخته و فاصله میان هر دو درجه، مانند فاصله میان آسمان و زمین است.) (روایت بخاری)

مرگ در رختخواب را رها کنید!

مرگ در بستر، مرگ غافلان است. مرگ با عزت و شهادت در راه خدا را طلب کنید.

خالد بن ولید رضی الله عنه در بستر مرگ گریست و گفت: «در بدنم جای ضربه شمشیر، اصابت تیر یا زخم نیزه‌ای نیست الا اینکه در آن نشانی است؛ و اکنون مانند شتر در بستر می‌میرم! چشمان ترسوها هرگز نخوابد!»

بشتابید به سوی بازارهایی که در آن جان‌ها به بهای بهشت فروخته می‌شوند: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ ٱشۡتَرَىٰ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ أَنفُسَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلۡجَنَّةَۚ ...﴾ [التوبة: 111] (خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای بهشت خریداری کرده است.)

خاتمه

ای برادرانم! این نصیحت و فراخوانی از اعماق قلب من است. دنیا فانی و گذراست و آخرت باقی و ابدی است. توشه‌ای برای آخرت خود برگیرید و اسلحه خود را دوباره بر دوش افکنید. سنگرها مشتاق شمایند و برادران جوان‌ترتان به تجربه، حکمت و پیشگامی شما نیاز دارند .

اجازه ندهید آخرین فصل زندگی شما، قعود، انزوا و دلبستگی به دنیا باشد. بگذارید پایان کار شما، شهادتی سرخ باشد که گناهان گذشته را پاک کند و شما را در بالاترین درجات بهشت (علیین) مسکن دهد .

پروردگارا! گام‌های ما را استوار بدار، ما را بر قوم کافران پیروز گردان، ما را در راه خودت به شهادت برسان در حالی که رو به سوی دشمن داریم و پشت به آن نکرده‌ایم، و ما را به صالحان ملحق فرما!

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين .